



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



ترامپ و خاورمیانه

مسئله تشدید تنش‌ها در خاورمیانه به یکی از فوری‌ترین مسائل سیاست خارجی روی میز رئیس‌جمهور بدل خواهد شد؛ مگر اینکه جنگ اسرائیل علیه حماس در غزه و حزب‌الله در لبنان تا پیش از مراسم تحلیف دونالد ترامپ کاملاً تمام شده باشد (که بعید به نظر می‌رسد). رئیس‌جمهور منتخب آمریکا در خصوص ضرورت به پایان رساندن جنگ در غزه سخن گفته است و در ماه اوت ادعا کرد که به بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل گفته است که «پیروزی‌ات را به دست بیاور» چون که «کشتار باید متوقف شود». مشخص نیست دولت بعدی قرار است چه نقشی برای پایان دادن به جنگ بازی کند، اگر فرض کنیم که نقشی بر عهده می‌گیرد. ترامپ از دولت بایدن به دلیل مطالبه آتش‌بس انتقاد کرده است و این اقدام را تلاش برای «بستن دست اسرائیل در پشت سر» توصیف کرده و گفته است که آتش‌بس فقط به حماس زمان می‌دهد تا خود را بازسازی کند. دونالد ترامپ در دوره نخست ریاست‌جمهوری‌اش، به صورت لفظی از راهکار دودولتی برای حل و فصل منازعه فلسطین حمایت کرد، عملاً معامله را دستکاری می‌کرد و هدیه‌هایی دیپلماتیک را که اسرائیل مدت‌ها به دنبال آنها بود به اسرائیل داد. اقدام‌هایی مانند انتقال سفارت آمریکا به قدس، قطع کمک‌های مالی ایالات متحده آمریکا به آژانس سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی، تغییر دادن سیاست چنددهه‌ای آمریکا با به رسمیت شناختن حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان و اعلام اینکه شهرک‌های یهودی‌نشین قوانین بین‌المللی را نقض نمی‌کنند، از جمله هدایای ترامپ به اسرائیل در دوران ریاست‌جمهوری‌اش بود. ترامپ قبلاً گفته بود که «به‌شکلی برای اسرائیل جنگیده است که هیچ رئیس‌جمهوری قبلی از او نجنید» و توفیق دولت او در انعقاد توافق‌های ابراهیم برای عادی‌سازی روابط دیپلماتیک اسرائیل و چند کشور عربی یکی از موفقیت‌های مهم سیاست خارجی دولت او محسوب می‌شد؛ مسیری که دولت بایدن هم آن را ادامه داد. هر چند ترامپ و نتانیاهو روابط بسیار نزدیکی در دوره نخست ریاست‌جمهوری ترامپ داشتند، بعد از اینکه نتانیاهو درست یک روز پس از اعلام پیروزی بایدن در انتخابات ۲۰۲۰ به او تبریک گفت، این رابطه به اختلاف خورد و باعث عصبانیت ترامپ شد. لحن ترامپ در مورد اسرائیل در ماه‌های اخیر گهگاه انتقادی بود و ترامپ در ماه آوریل هشدار داد که اسرائیل در حال «باختن جنگ روابط عمومی» در غزه است. ترامپ در شرایطی برای دور دوم به کاخ سفید وارد می‌شود که سراسر خاورمیانه به دلیل درگیری‌های میان اسرائیل و نیروهای نیابتی ایران در لبنان، یمن و فراتر از آن به آتش کشیده شده است. اسرائیل و ایران برای نخستین بار در سال جاری میلادی مستقیماً با یکدیگر تبادل آتش کردند. در حالی که در تازه‌ترین دور حملات تلافی جویانه دولت بایدن از ایران می‌خواست تا با هدف کاهش تنش‌ها به تاسیسات انرژی و هسته‌ای ایران حمله نکند، احتمالاً ترامپ احتیاط کمتری به خرج دهد. او در ماه اکتبر گفته بود که «اسرائیل اول باید به [تاسیسات] هسته‌ای حمله کند و بعد در مورد بقیه چیزها نگران باشد». ترامپ در دور نخست ریاست‌جمهوری‌اش ریکرد سختگیرانه‌ای در مورد ایران در پیش گرفت، از برجام خارج شد، سیاست فشار حداکثری را در پیش گرفت و فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در یک حمله هوایی در ژانویه ۲۰۲۰ ترور کرد. ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران در ماه سپتامبر گفت که آماده یک توافق جدید با ایران برای جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای است. او بدون اشاره به جزئیات احتمالی مذاکرات گفت: «ما مجبوریم که توافق کنیم، چرا که عواقب عدم توافق غیرقابل تصور است. مجبوریم که معامله‌ای جوش بدهیم.» رابرت گرین‌وی، که مدیر ارشد حوزه خاورمیانه در شورای امنیت ملی آمریکا در دوره ترامپ بود، می‌گوید: «هر چند ترامپ خواستار پایان دادن به حضور نظامی آمریکا در عراق و افغانستان بود، چندان هم با استفاده از توانمندی نظامی آمریکا برای رسیدن به اهداف مشخص مخالف نبود.» این مقام دولت پیشین ترامپ می‌گوید: «گزینه نظامی شاید تنها راهکار عملی باقیمانده برای اجتناب از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای باشد.» علاوه بر همه اینها، جامعه اطلاعاتی آمریکا هم در دوران رقابت‌های انتخاباتی در مورد برنامه‌ریزی ایران برای ترور ترامپ هشدار داده بود. گرین‌وی می‌گوید: «حالا مسئله شخصی شده است و من این مسئله را دست کم نمی‌گیرم.»

سیاست خارجی به سبک ترامپ

تحلیل فارین‌پالیسی از دیپلماسی آمریکا در دوران دونالد ترامپ



ترامپ آماده است تا پارامترهای سیاست خارجی دوره اول خود را احیا کند؛ از جنگ تجاری با چین گرفته تا خصومت نسبت به ایده چندجانبه‌گرایی. پیروزی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در انتخابات، آغاز حرکت یک ترن هوایی دیگر در سیاست خارجی ایالات متحده است. احتمالاً در این دوره نیز شاهد رویارویی ترامپ با چندجانبه‌گرایی در جهان، درگیری اقتصادی با چین، علاقه ترامپ به رهبران قدرتمند، و سبک شمایل‌شکنا و توثیق‌های بی‌نظیر او خواهیم بود. مشاوران ترامپ گفته‌اند که رویکرد «صلح از طریق قدرت» چیزی است که آمریکا در این وضعیت ناپایدار به آن نیاز دارد. دوره دوم ترامپ چالش‌های جدیدی را به همراه خواهد داشت. ترامپ حداقل با دو جنگ در خاورمیانه و اوکراین روبرو است. او وعده داده است که جنگ در اوکراین را حتی قبل از اینکه وارد کاخ سفید شود پایان خواهد داد اما حداقل تا به اینجای کار هیچ طرحی برای این کار ارائه نکرده است. برنامه‌های او برای برقراری صلح در خاورمیانه هم به همان اندازه مبهم است. همانطور که دوره اول ترامپ نشان داد، امیال او اغلب با دستور کار مشاورانش در تضاد است. این بار، او ممکن است به‌عنوان رئیس‌جمهور برای بار دوم که احتمالاً توسط دایره‌ای از مشاوران وفادارتر احاطه شده، کنترل محکم‌تری بر چرخ سیاست در آمریکا داشته باشد.

▼ آمریکا و چین

در مورد سیاست آمریکا در قبال چین، جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا تا حدود زیادی سیاست سختگیرانه را به ترامپ منتقل خواهد کرد. دولت فعلی بسیاری از رویکردهای خشن‌تر دوره اول ترامپ در قبال چین را به ارث برده است و ترامپ نیز احتمالاً چین را به عنوان چالش اصلی امنیت ملی ایالات متحده معرفی خواهد کرد اما در مورد مسائل خاص، دوره دوم ترامپ تغییرات قابل توجهی را به همراه خواهد داشت. ترامپ مانند اولین دوره ریاست‌جمهوری خود، در درجه اول تجارت را مورد توجه قرار داده است. ترامپ در مصاحبه‌ای با وال استریت‌ژورنال در اکتبر گفت که «تعرفه، زیباترین کلمه در فرهنگ لغت» است و روشن‌ترین اولویت او در مورد چین، شروع مجدد جنگ تجاری است که در سال ۲۰۱۸ آغاز کرد. وب‌سایت ستاد انتخاباتی ترامپ اعلام کرد که قطع اتکای ایالات متحده به چین برای همه کالاها ضروری است. اما این تازه شروع کار است. بایدن تعرفه‌های اولیه ترامپ را حفظ کرد و تعرفه‌های بیشتری را اضافه کرد. ترامپ آماده است خیلی بیشتر از اینها پیش برود. با تعرفه‌های وعده داده شده حداقل ۶۰ درصدی بر تمام واردات از چین، ترامپ به ایده جدایی کامل دو اقتصاد بزرگ جهان که توسط برخی از نزدیک‌ترین مشاورانش حمایت می‌شود، نزدیک‌تر خواهد شد. چنین اقدامی روابط دوجانبه پرتنش را بدتر می‌کند و برای خانوارهای آمریکایی هزاران دلار در سال ضرر داشته و برای صادرکنندگان آمریکایی یکی از بزرگترین بازارهای جهان را حذف می‌کند. اما تأثیرات منفی یک سیاست تجاری تهاجمی در قبال چین به تضعیف سایر دوستان و متحدان بالقوه ایالات متحده نیز ختم خواهد شد. چین همچنان به شدت به صادرات وابسته است تا رشد اقتصادی خود را افزایش دهد.

اقدامات طراحی شده برای تضعیف موتور اصلی رشد اقتصادی چین از طریق تعرفه‌های ترامپ، تقاضای چین برای نهاده‌های تولیدی، از جمله انرژی و مواد معدنی را تضعیف می‌کند. این خبر بدی برای همسایگان ایالات متحده مانند پرو، شیلی و مکزیک (همگی صادرکنندگان بزرگ مس به چین هستند) و استرالیا (یک صادرکننده بزرگ سنگ آهن و زغال سنگ به چین) و عربستان سعودی که بزرگترین صادرکننده نفت به چین است، می‌باشد. در دوره اول ترامپ، اعمال اهرم تعرفه بر چین منجر به یک توافق دوجانبه شد که او آن را «بزرگترین معامله‌ای که تا به حال دیده شده» ارزیابی کرد. هدف این توافق افزایش صادرات کشاورزی و محصولات انرژی ایالات متحده به چین بود اما این توافق هرگز به تحقق اهداف خود نزدیک نشد. به گفته موسسه America First Policy، که یک اندیشکده حامی ترامپ است، احیای این توافق می‌تواند نقطه شروع یک توافق اصلاح‌شده در دولت جدید ترامپ باشد. اگر هدف از تعرفه‌های بسیار بالای وارداتی این باشد که چین را مجبور به بازنگری در شیوه‌های تجاری و اقتصادی خود کند، سایر سیاست‌های تجاری ترامپ این کار را بسیار دشوارتر خواهد کرد. ترامپ وعده داده است که بر تمامی کشورهای دیگر از جمله اتحادیه اروپا تعرفه‌های ۲۰ درصدی اعمال کند. این امر نه تنها ضررهایی فوری برای صادرات ایالات متحده به همراه خواهد داشت و چشم‌انداز اقتصادی ایالات متحده را تضعیف می‌کند، بلکه چشم‌انداز یک ائتلاف بزرگ از اقتصادهای بزرگ را نیز کاهش می‌دهد. به خطر افتادن این ائتلاف فشار اقتصادی بر چین را کاهش خواهد داد.

فراتر از تجارت، بزرگترین نقطه انحراف سیاست‌های